

نظام‌سازی قرآن بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)

سعید بهمنی^۱: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۷-۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۴/۱۳

چکیده

در دو دهه اخیر پس از انقلاب (۱۳۵۷) ایران شاهد به کارگیری چهار مفهوم اساسی «اسلامی‌سازی علوم»، «علوم انسانی قرآن بنیان»، «نظام‌سازی قرآن بنیان» و «نظریه‌پردازی قرآن بنیان» در ادبیات علمی کشور بوده است. کاربرد مفهوم «نظام‌سازی قرآنی» در سند منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور تا اندازه‌ای به گسترش این مفهوم دامن زده است. پس از آن، مفهوم «نظریه‌پردازی قرآن بنیان» نیز در جامعه علمی و برخی اسناد راهبردی مطرح شد؛ زیرا نظام‌سازی در گرو نظریه‌پردازی است. رواج مفاهیم یادشده علائمی از خیزش برای انقلابی علمی در علوم انسانی است. مسأله کسانی که بر این مفاهیم تأکید دارند آن است که علوم برآمده از فلسفه و بنیادهای نظری رایج در دنیا نمی‌تواند مشکلات جوامع اسلامی را در جهت رسیدن به اهداف الهی حل کند. برخی بزرگان، دانشمندان و پژوهشگران داخل و خارج کشور نظریه‌هایی درباره این مفاهیم بیان کردند یا نوشته‌اند. سؤال این است که معنی این مفاهیم چیست؟ راهبردهای دستیابی به آنها کدام‌اند؟ راهبردهای پیشنهادی با چه فرایندی محقق می‌شوند؟ مفاهیم یادشده در سطحی از انتزاعی بودن قرار دارند که می‌توان آنها را اهداف علمی انقلاب اسلامی به شمار آورد. نسبت میان این مفاهیم عام و خاص، مطلق و به ترتیب هر یک اعم از دیگری و بر آن تقدم دارد. مقاله به بیان مفاهیم چهارگانه یادشده، راهبردها و فرایندهای تحقق آنها خواهد پرداخت و نشان می‌دهد که نظام‌سازی، تولید علوم انسانی قرآن بنیان و اسلامی‌سازی علوم در گرو نظریه‌پردازی قرآن بنیان است. ما در ایران پس از نزدیک به چهار دهه بررسی و پردازش مفاهیم اساسی به ضرورت نظریه‌پردازی قرآن بنیان رسیدیم، در حالی که شهید سیدمحمدباقر صدر در این امر پیشتاز بوده و از همان ابتدا بر نظریه‌پردازی اهتمام ورزید. این بدان معنی است که ما از آورده علمی وی استفاده نکرده‌ایم و هنوز در دوره پیشاصدری به‌سرمی‌بریم.

کلیدواژه‌ها: اسلامی‌سازی معرفت، علوم انسانی قرآنی، نظام‌سازی، نظریه‌پردازی قرآن بنیان.



۱. مقدمه

ساختار مقاله در چهار فصل تدوین شده است؛ هر فصل درباره یکی از مفاهیم اصلی یعنی؛ (۱) اسلامی سازی علوم، (۲) علوم اسلامی قرآنی، (۳) نظام سازی قرآن بنیان، (۴) نظریه پردازی قرآن بنیان است. در هر فصل نخست به چستی مفهوم می پردازیم. سپس راهبردهای پیشنهاد شده درباره آن و آنگاه فرایند عملیاتی شدن راهبردها را بیان می کنیم. در نهایت، مبانی هر راهبرد مشخص می کند که خاستگاه هر راهبرد را کدام مبانی سامان می دهد. در جایی که لازم بوده مباحث با تحلیل و نقد همراه شده است. در نتیجه گیری سیر تطور مفاهیم مرور شده و با کردار نشان داده می شود. همچنین مسیر زنجیره ای تحقق هر یک در عمل ترسیم می شود و نشان داده می شود که شهید صدر در همه مفاهیم پیشتاز بوده و به رغم وجود آثار وی در این باره هنوز گویی در دوران پیشاصدرا به سر می بریم. در نهایت پیشنهادهایی برای پیشبرد مفاهیم یاد شده ارائه می شود.

۲. فصل یکم: اسلامی سازی علوم (معرفت)

اصلی ترین عامل گرایش به اسلامی سازی علوم در این است که علوم برآمده از غرب پیشرفت مورد انتظار در کشورهای اسلامی را موجب نشد. همچنین احساس شد که استفاده از علوم وارداتی افزون بر اینکه بر فلسفه ای زمینی استوار شده با نوعی بی تناسبی با نیازهای بومی همراه بوده است. تصریح آیات بر جهان شمول بودن آموزه های قرآن و ظرفیت دلالتی موجود در آن زمینه ای برای روی آوردن به قرآن کریم به عنوان منبعی عظیم برای دستیابی به اصول اساسی علوم گردیده است. درک مفهوم جهان شمولی داده های دینی یکی از ضروریات فقه و دیگر علوم اسلامی است (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۷۴).

۳. چستی اسلامی سازی علوم (معرفت)

برخی صرفاً مفید بودن را برای اسلامی بودن علم کافی می دانند. «همه علوم مفید برای مسلمانها علوم دینی است» (مطهری، ۱۳۵۶، صص. ۱۴۶-۱۴۷). علم، زمانی اسلامی است که در خداشناسی و رفع نیازهای مشروع فردی و اجتماعی جامعه اسلامی مؤثر باشد (گلشنی، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۸). برخی نگرش اسلامی را سبب اسلامی شدن آن می دانند. «هنگامی که سخن از خلقت باشد توجه به خالق مدبر آن ها نیز خواهد شد و به دنبال آن مسئولیت انسان نیز مطرح می شود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف، ص. ۱۲۲) «در اسلامی بودن یک مطلب دو عامل مؤثرند؛ یکی که اصلی ترین و بنیادی ترین آن محسوب می شود، همانا تأسیس و ابتکار مطلب از ناحیه شارع مقدس است و دیگری که جنبه دینی می یابد، همان تنفیذ و امضای قرارهای مردمی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص. ۱۱۲).

۴. راهبردهای اسلامی سازی علوم

هر یک از دغدغه‌مندان اسلامی سازی علوم تعریفی خاص ارائه کرده‌اند و راهبردهایی برای دستیابی به آن پیشنهاد کرده‌اند. هر راهبرد بر دسته‌ای مبانی استوار است. برخی مجمل و موردی است (نجاتی، ۱۳۹۱، ص. ۲۹). در اینجا به راهبردهایی می‌پردازیم که درباره همه علوم یا گستره وسیعی از علوم ارائه شده و با تفصیل کافی بیان شده است.

۴.۱. تغییر نگرش

آیت‌الله جوادی آملی در برخی آثار خود صرفاً هدف علوم را قابل انقسام به صلاح و فساد می‌داند. سپس نتیجه می‌گیرد که دینی ساختن دانش‌های مراکز علمی کشور غیر قابل عمل است. «اگر کسی خواست علوم یاد شده را دینی کند می‌تواند آن‌ها را با رویکرد اسلامی و هدف‌مداری دینی تألیف و تدریس کند و با این ابتکار فضای دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی، اسلامی می‌شوند؛ نه علوم و متون درسی آن. پس علم دینی نشد، هر چند معلم و متعلم با جهت معین در فضای تعلیم تعلم حرکت می‌کنند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۸۶) او در جایی دیگر راه اسلامی شدن علوم را در اعتقاد به حجیت دینی عقل در علوم می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵)؛ او تأکید می‌کند که «هرگز عقل برهانی را علم بشری ندانیم» (جوادی آملی، بی‌تا، ص. ۵۶) این راهبرد، صرفاً بر تغییر نگرش در تعامل با علوم تأکید دارد. بنابراین، اسلامی شدن علوم منوط به اسلامی شدن نگرش به آن است.

۴.۲. منشأ الهام راهبرد تغییر نگرش

به نظر می‌رسد، منشأ الهام آیت‌الله جوادی در راهبرد تغییر نگرش برای اسلامی سازی علوم روایتی به نقل از امام صادق (ع) به این شرح است: «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعٍ: أَوْلَاهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَ الثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَ الثَّالِثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ بِكَ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ عَنِ دِينِكَ: دَانِشِ صَنَائِبِ وَ سُودْمَنْدِ جَامِعَةِ انْسَانِي رَا دَرِ چَهَارِ رِشْتَه يَافْتَم؛ اول معرفت پروردگار و شناخت توحید آن، دوم شناخت کیفیت پروراندن و نحوه تدبیر و اراده او، سوم معرفت دین، شریعت و دستورهای مذهبی که خداوند آن‌ها را از مردم خواست، چهارم شناخت چیزی که باعث ارتداد و خروج از دین می‌شود. ... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۰) و چنین علمی نافع خواهد بود و برای اسلامی شدن مراکز فرهنگی، به ویژه آموزش عالی راهکار مناسبی است.» (جوادی آملی، بی‌تا، صص. ۷۸-۷۹).

۴.۳. تحلیل و نقد

تعمیم این حدیث به همه علوم محل تأمل است؛ زیرا «علم» به «الناس» اضافه شده است. ممکن است «ال» در «الناس» عهد بوده و به گروهی خاص از مردم اشاره داشته باشد که میان امام و مخاطب معهود بوده است. مضمون نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ زیرا علمی که در حدیث آمده علوم



خداشناسی و شرعی است و علم به هر موضوعی را شامل نمی‌شود. همچنین ما می‌دانیم که بسیاری در گذشته بوده و اکنون نیز هستند که هرگز چنین سنخ علمی را دنبال نمی‌کنند. از این رو، اتخاذ راهبردی فراگیر از حدیث یادشده مشکل است.

۴.۴. الزامات راهبرد تغییر نگرش برای اسلامی سازی علوم

آیت‌الله جوادی آملی ندیدن معلم واقعی در نگرش قارونی را در بردارنده چالش علم و دین دانسته و آن را مانع همگامی و وحدت حوزه، دانشگاه، علم و دین می‌داند. ایشان تأکید می‌کند که «تازمانی که ریشه‌های معایب علم موجود، برطرف نشده و غفلت از مبدأ و معاد عالم و منطق قارونی حاکم است نمی‌توان به اسلامی شدن علوم امیدوار بود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ص. ۱۳۹)

بر این اساس، الزامات راهبرد تغییر نگرش عبارت‌اند از:

- ۱) برطرف شدن غفلت از مبدأ و معاد؛
- ۲) فاصله گرفته از منطق قارونی (دیدن معلم واقعی).

۵.۴. فرایند عملیاتی راهبرد تغییر نگرش

- ۱) عنوان «طبیعت» برداشته شود و به جای آن عنوان «خلقت» قرار گیرد.
 - ۲) عنوان خالق که مبدأ فاعلی است ملحوظ باشد؛
 - ۳) هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل و داد است به عنوان مبدأ غایی منظور شود؛
 - ۴) محور بحث دلیل معتبر نقلی؛ مانند آیه قرآن یا حدیث صحیح قرار گیرد؛
 - ۵) از تأییدهای نقلی یا تعلیل‌های آن استمداد شود؛
 - ۶) در هیچ مورد دعوی «حسبنا العقل» نباشد، چنان که ادعای «حسبنا النقل» مسموع نشود.
- تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن تفسیر جزء دیگر آن باشد تا از سنخ تفسیر تکوین به تکوین به شمار آید (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ص. ۱۴۱).

۶.۴. تحلیل و نقد فرایند هفت گانه عملیاتی سازی راهبرد تغییر نگرش

- ۱) تغییر نگرش عالم را تغییر می‌دهد نه علم را
آیت‌الله جوادی رعایت فرایند هفت گانه فوق را سبب محفوظ ماندن ارتباط موضوع دانش عالمان علوم طبیعی با خالق هستی‌بخش در سه عرصه مبدأ، مقصد، منتهای آفرینش و صراط مستقیم می‌داند. (همان) هرچند ایشان در بیان اخیر و بسیاری بیانات دیگر به اولین اصل از اصول هفت گانه خود عمل نکرده است که فرمود: «باید اولاً عنوان «طبیعت» برداشته شود و به جای آن عنوان «خلقت» قرار گیرد.» (همان).

- ۲) یک‌سانی علم برآمده از نگرش تغییر یافته و تغییر نیافته
آیت‌الله جوادی در تحلیل فهم غیرمسلمان از اسلام می‌گوید: «اینان بخشی از حقیقت را می‌گیرند

و بخشی از آن (ارتباط طبیعت با خداوند و مبدأ تعالی) را انکار می‌کنند. کنار گذاشتن بخشی از حقیقت، مانع از آن نیست که بخش مثمر و مثبت آن که علم صائب و مطابق با واقع است، مطرود شود.» (همان، ص. ۱۴۴) او علم فیزیک مفید یقین یا طمأنینه عقلائیة را اسلامی می‌داند، هر چند شخص فیزیکی‌دان ملحد و یا شاک باشد (همان، ص. ۱۴۳)؛ او تأکید می‌کند که «علم صائب تفسیر خلقت و فعل الهی است و تبیین کار خدا حتماً اسلامی است، گرچه فهمنده این حقیقت را درنیابد و خلقت خدا را طبیعت‌پندارد.» (همان، ص. ۱۴۴). در این دیدگاه تلازمی میان فهم اسلامی و اسلامی بودن فاهم نیست.

اگر مسلمان و غیرمسلمان بودن یا داشتن نگرش الهی یا نداشتن آن در ماهیت علم تغییری ایجاد نمی‌کند، تغییر آن برای اسلامی‌سازی علوم چه ضرورتی خواهد داشت. بر اساس آنچه در فرایند پیشنهادی آیت الله جوادی و توضیحات آن آمده می‌توان به غیرمسلمان سفارش تولید علم اسلامی داد. پس تغییر نگرش برای تولید علوم اسلامی از آن جهت که علومی اسلامی است، ضرورت ندارد.

۵. مبانی راهبرد تغییر نگرش

۵.۱. تقسیم موجودات به مادی و فرامادی

موجودات به مادی یعنی جسمانی و غیرمادی یعنی مجرد یا غیرجسمانی تقسیم می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۱). ماتریالیست‌ها موجود پیشین را جز در ماده نمی‌بینند، در مقابل الهیان موجود پیشین را غیرمادی نیز می‌دانند.

۵.۲. نیاز به وحی در همهٔ معارف

«وحی الهی در شناساندن همهٔ معارف جهان هستی لازم و اکمل از عقل برهانی است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص. ۱۲۷) نیاز به وحی در همهٔ معارف به طور مستقیم مربوط به فرایند سوم است.

۵.۳. تفریع فروع از اصول متلقات

آیت الله جوادی آملی با استناد به روایت رضوی «عَلَيْنَا إِلْقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ»: بر ماست إلقاء اصول و بر شماست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص. ۱۳) تفریع، می‌گوید: «این سخن اختصاصی به فقه، اصول و علوم دینی ندارد، بیان کلی است.

می‌فرماید ما در هر رشته‌ای از علوم، قوانین اولیه را القای کنیم و شما فروع آن را استخراج کنید؛ خواه در علوم دینی، تجربی، تجریدی و خواه تلفیقی باشد و به تعبیر دیگر چه در علوم انسانی و چه طبیعی باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص. ۱۰۷)؛ ایشان پس از این بیان، استخراج علوم تجربی از قرآن را مستلزم دینی کردن علوم و دینی کردن علوم را منوط به دینی شدن فلسفه علوم که فلسفه‌ای مضاف است، می‌داند. رضوی این رویکرد را «ابتناء علم بر اصول کتاب و سنت» نامیده است. (رضوی، ۱۳۹۱).



۴,۵. فرایند عملیاتی تفریح فروع از اصول متلقات در قرآن ۱,۴,۵. پیشنهاد آیت‌الله جوادی برای استفاده از قرآن کریم در علوم مختلف، فرایندی نه گانه بدین شرح است:

- ۱) آیه‌ای مربوط به موضوع بحث مطرح شود؛
- ۲) مفردات آیه معنا شود؛
- ۳) معانی عرفی متبادر به ذهن بیان شود؛
- ۴) آیه با توجه به معنای مفرداتش ترجمه‌ای گویا شود؛
- ۵) نظرات مفسران از گذشته دور تا کنون ملاحظه شود؛
- ۶) نظر آنان بررسی و جمع‌بندی شود؛
- ۷) آیات دیگر مؤید آن آیه مطرح شود؛
- ۸) روایاتی که ضمن این آیه آمده ملاحظه شود؛
- ۹) ره‌آورد علمی (علم قطعی یا مفید طمأنینه نه فرضیه) در آن موضوع نیز ملاحظه شود؛ یعنی تنها نمی‌توان به اصالة الإطلاق یا اصالة العموم ادله نقلی تمسک کرد، بلکه باید از مخصص لبی فحص شود تا تعارضی بین مفاد ادله نقلی با ادله قطعی عقلی حاصل نشود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص. ۱۱۵).
برخی راهبرد تغییرنگرش و تفریح فروع بر اصول متلقات را در طول هم قرار داده‌اند (رضوی، ۱۳۹۱). راهبردها به گونه‌ای نیست که بتوان آن‌ها را در طول یکدیگر دانست بلکه در عرض هم هستند.

۶. مبانی راهبرد تفریح فروع

۱,۶. وجود علوم انسانی در منابع دینی

آیت‌الله جوادی آیه «وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيِّمًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۹۰) را این گونه ترجمه کرده است: «کتابی را که بیان‌کننده همه علوم انسانی و معارف سودمند بشری است بر تو نازل کردیم» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ هـ، ص. ۵۰۶) «همه معارف بشری و هر چیزی را که در تأمین سعادت انسان سهمی دارد به خوبی تبیین کرده است.» (همان). وی با عطف توضیحی همه معارف را به معارف تأمین‌کننده سعادت انسان محدود کرده است. وی سهم دین در علوم انسانی را مفروض دانسته است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص. ۵۵۷).

۲,۶. قابلیت استنباط اصول علمی کلی برای رشته‌های فکری از قرآن و نصوص.

«از جهات متعدد می‌توان حوزه فکری و استدلالی یک جامعه اسلامی را مطابق همان نظم دینی تنظیم کرد. منشأ استبعاد اسلامی شدن علوم و متون درسی دانشگاه‌ها محصول غفلت یا تغافل از نصوص جامع و اصول علمی کلی است، که درباره بسیاری از رشته‌های فکری، از خلال آیات قرآن کریم یا نصوص روایی عترت طاهرین (ع) استظهار می‌شود.» (جوادی آملی، بی‌تا، ص. ۶۴).

۳,۶. وجود برخی داده‌های علوم طبیعی در منابع دینی

عالمان دینی همان‌گونه که می‌توانند از گزاره «وما گنا مُعَذِبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء/ ۱۵) مطالبی عمیق درباره اصول فقه استنباط کنند، می‌توانند از آیات کیهان‌شناسی، دریاشناسی، زمین‌شناسی و ... نیز مطالب عمیق و فنون مربوط به آن را استخراج کنند (همان، ۱۳۸۵، ص. ۵۵۷).

۴,۶. کافی نبودن علوم تجربی

علوم تجربی برای شناخت بخش قابل توجهی از مسائل لازم است؛ ولی نمی‌توان برای شناخت هر چیزی به علوم تجربی بسنده کرد؛ زیرا اصول و فروع تجربی خود تحت پوشش اصول تجربی‌اند و هرگز تجربه محض بدون استعانت از مبانی و مبادی تجربی کفایت نخواهد کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص. ۷۲۷) نیاز علوم تجربی به علوم تجربی اعم از آن است که علوم تجربی از اسلام به دست آید یا از علمی دیگر. با این وصف، وحی یکی از منابع علوم تجربی است.

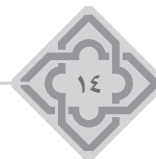
۵,۶. نظارت و مدیریت بر علوم

صفایی حائری بیش از هر چیز بر نظارت به علوم تأکید می‌کند. «این معارف، مبانی و پایه‌ها، و این عقاید؛ اهداف، مقاصد و آرمان‌ها را فراهم می‌سازد و نظام‌سازی دین از همین مبانی و مقاصد آغاز می‌شود و تأثیرگذاری دین بر علم و فلسفه و عرفان و هنر از همین سرچشمه مایه می‌گیرد.» (صفایی حائری، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۶). تأکید او این است که مبانی و مقاصد در هر شرایط و موقعیتی که باشیم به پرسش چگونگی عمل، روش، و باید و نبایدهای عمل پاسخ می‌دهد. در دیدگاه او، دستیابی به مبانی و اهداف نظارت بر احکام را دربرمی‌گیرد و نظام‌ها را به دنبال می‌آورد (همان). این رویکرد را راهبرد نظارت و مدیریت علوم می‌نامیم.

۶,۶. فرایند نظارت و مدیریت علوم

صفایی حائری فرایند راهبرد نظارت و مدیریت بر علوم را توضیح نداده است. در برخی بیانات آیت‌الله جوادی آملی فرایند اسلامی سازی معرفت در ضمن مؤلفه‌هایی نه‌گانه بیان شده که گویی فرایند تحقق راهبرد جمع میان عقل و نقل را توضیح می‌دهد. هرچند برخی مؤلفه‌ها ماهیتی توصیفی دارد و به مبانی نزدیک است؛ ولی مؤلفه‌های نه‌گانه فرایندی ذهنی و عملی را برای سنجش و نظارت بر اسلامی سازی علوم نشان می‌دهد. مؤلفه‌هایی یادشده بدین شرح است:

- ۱) عقل برهانی اعم از تجربی و تجربی کاشف فعل یا قول خداست؛
- ۲) نقل معتبر اعم از خبر واحد و متواتر، کاشف قول یا فعل خداست؛
- ۳) کشف‌های عقلی و نقلی گاهی با واسطه است و گاهی بی‌واسطه؛
- ۴) مکشوف‌ها گاهی از محکماند و زمانی از متشابهات؛
- ۵) ارجاع متشابهات به محکمانت گاهی عقلی و زمانی نقلی است؛



۶) مکشوف‌های عقلی و نقلی گاهی همتای هم، زمانی مختلف و وقتی مخالف و گاهی نیز محاربنند؛

۷) تفاوت مکشوف‌ها در هر مرحله‌ای علاج خاص خود را می‌طلبد؛

۸) تفاوت‌های یاد شده همان‌گونه که درباره مکشوف‌های عقلی و نقلی مطرح شد، درباره خصوص مکشوف‌های نقلی برخی با بعض دیگر قابل طرح است و هرگز بدون علاج نیست؛
۹) با پیمودن راه علاج و حل اختلاف‌های یاد شده معیار اسلامی بودن چیزی اعم از علم و عمل معلوم خواهد شد و با تعیین معیار تدوین متون درسی برابر معیار اسلام میسور می‌شود و خطاهای محتمل تدریجاً برطرف می‌شود.

در صورتی که خطیئه عمدی یا شبه عمدی به عنوان عدم امکان یا عدم ضرورت یا عدم نیاز به اسلامی کردن علوم مطرح نشود زمینه مبادرت به اسلامی کردن علوم انسانی و طبیعی را تیره و فضای سرعت به این کار معقول و مقبول را تاریک می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۹۶).

۷. مبانی راهبرد نظارت و مدیریت بر علوم

۱،۷. محدودیت غریزه و علم و نیاز به وحی

«غریزه در حیوانات و علم در انسان تا اندازه‌ای راه را شناخته است؛ و همین محدودیت غریزه و علم، نیاز به وحی و نبوت را مطرح کرده است.» (صفائی حائری، ۱۳۸۶، ص. ۸۹). در اینجا وقتی از نیاز به وحی در علوم سخن گفته می‌شود الزاماً بدین معنی نیست که همه علوم از وحی برداشت می‌شود؛ بلکه بدان معنی است که وحی بر علوم نظارت و مدیریت داشته و بر آن مسلط است.

۲،۷. وجود مبانی و اهداف نظارت و مدیریت علوم در دین

وجود مبانی و اهداف در دین برای نظارت و مدیریت بر علوم در راهبرد برآمده از آن مفروض است. بنابراین، وجود آن‌ها برای کسی که چنین راهبردی را برای اسلامی‌سازی علوم پیشنهاد می‌کند مسلم است.

۳،۷. جمع میان قرائت وحی و قرائت هستی

طه جابر العلوانی (مؤسس مرکز جهانی اندیشه اسلامی «المعهد العالمی للفکر الاسلامی» در سال ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۰م در سوئیس) در زمرة کسانی است که برای اسلامی‌سازی معرفت بسیار کوشیده است. یکی از راهبردهای مورد نظر او «جمع کردن میان قرائت وحی و قرائت هستی» است (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۷۴).

۸. فرایند تحقق راهبرد جمع میان قرائت وحی و قرائت هستی

۱،۸. فرایند دو مؤلفه‌ای

علوانی در یکی از بیانات خود، دو راه را برای رسیدن به معرفت اسلامی پیشنهاد می‌کند: نخست،

بازسازی نظام فکری مسلمانان بر مبنای قرآن و دوم، روش معرفتی آن و نیز بر مبنای سنت را پیشنهاد می‌کند.

۲,۸. پی‌ریزی نظام معرفتی و فرهنگی فراگیر

بر مبنای عناصر یادشده فوق، این دو راه مستلزم تلاش در پنج محور اساسی است که ممکن است از هر کدام آن‌ها شماری از محورهای فرعی منشعب شود» (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۶).

۳,۸. فرایند پنج مؤلفه‌ای

فرایند پنج‌گانه علوانی برای عملی‌سازی راهبرد یادشده عبارت‌اند از:
تواناسازی روشنفکران به درک اسلام و عناصر نفیس موجود در میراث (سنت) و آسان‌سازی درک اسلام و میراث (سنت) بر آنان؛
تواناسازی اندیشه اسلامی و روشنفکر مسلمان برای درک و فراگیری معارف جدید در چارچوب برنامه‌ای دقیق، به هدف غربال کردن این معارف و انتخاب عناصر مناسب آن؛
تدوین کتاب‌های علمی روش‌شناختی در ده‌شاخه مهم علوم انسانی، مانند اقتصاد، علوم تربیتی، علوم سیاسی، مدیریت و... این مرکز تا کنون بیش از ۱۲۰ عنوان کتاب درباره مسائل مختلف اندیشه اسلامی، به دو زبان عربی و انگلیسی منتشر کرده است؛
تأسیس دانشگاه مطالعات عالی اسلامی و راهنمایی دانشجویان سطوح عالی به سوی جزئیات برنامه اسلامی‌سازی علوم؛
برگزاری نگره‌ها و میزگردهای منطقه‌ای و بین‌المللی درباره مسائل گوناگون فکری.

۴,۸. تحلیل و نقد فرایندهای راهبرد جمع میان قرائت‌های وحی و هستی

پیشنهاد‌های علوانی فرایندی مدیریتی است؛ زیرا مراحل‌ی که او بیان کرده هیچ‌یک علم‌ورزی نیست؛ بلکه تمهیداتی اغلب مدیریتی برای تحقق علم‌ورزی جهت اسلامی‌سازی معرفت است. وی در جایی دیگر از «آماده‌سازی» و «عرضه مبانی فکری» و «روش‌شناختی» برای حرکت امت برای طرح اسلامی‌سازی معرفت سخن می‌گوید. (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۲) تجدید نظرهای مستمر در علوم بر اساس مبانی روش‌شناختی قرآن کریم همچنین پالایش دائمی میراث مسلمانان در جهت انباشت معرفت در این چارچوب را لازم می‌داند (مرادی، ۱۳۸۵، صص. ۷۰-۷۱). با این وصف، استخراج فرایندی علمی مورد نظر وی در منابعی که در دسترس داریم مشکل است.

۵,۸. مبانی راهبرد جمع میان قرائت وحی و قرائت هستی

علوانی در برخی بیانات خود پنج مطلب را می‌شمارد که مبانی راهبرد پیشنهادی وی در جمع میان قرائت‌ها وحی و هستی است (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۹۰). مبانی پنج‌گانه علوانی بدین شرح است:



۱,۵,۸. توحید

توحید یکی از مبانی هستی‌شناختی است و بر اساس آن هیچ چیز صادق‌تر چیزی نیست که خدا بیان می‌کند (همان).

۲,۵,۸. جانشینی انسان بر روی زمین

علوانی جانشینی انسان بر روی زمین را مستلزم تسلط و تسخیر هستی می‌داند. بر اساس دیدگاه او این تسلط از رهگذر اسلامی‌سازی علوم محقق می‌شود.

۳,۵,۸. مسئولیت انسان در برابر امانت الهی

مسئولیت انسان در برابر امانت الهی یعنی جانشینی بر روی زمین مستلزم حرکت در مسیری است که هماهنگ با خداست. این هماهنگی با اسلامی‌سازی علوم محقق می‌شود.

۴,۵,۸. فراگیری اسلام به عنوان روش آبادانی و اصلاح

علوانی اسلام را روش آبادانی و اصلاح می‌داند. آبادانی و اصلاح زمین به وسیله انسان که جانشین در زمین است (مرادی، ۱۳۸۵).

۵,۵,۸. مکمل بودن وحی و عقل

علوانی خاستگاه این مبنا را در اصل توحید در عقیده می‌داند و آن را سبب پی‌ریزی اندیشه و عقیده و نظام دانسته است (همان، ص. ۹۰).

افزون بر مبانی پنج‌گانه فوق در سخنان دیگر وی نیز برخی مبانی به چشم می‌خورد که در زیر به دو مبنا از این دست را بیان می‌کنیم.

۱) نیاز نظریات علمی به ارجاعات فلسفی

علوانی هدف از اسلامی‌سازی علوم اجتماعی را اسلامی‌سازی ارجاعات فلسفی نظریات علمی می‌داند. این بدان معنی است که لزوم ارجاع فلسفی نظریات این علوم یکی از مبانی وی در این باره است (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۲).

۲) کاستی علوم اجتماعی در تجاهل نسبت به غیب

اعتقاد به کاستی علوم در بریدگی آن از غیب یکی دیگر از مبانی علوانی است. او تجاهل علوم نسبت به غیب را در زمره کاستی‌های علوم اجتماعی می‌داند. هدف او آزاد کردن این علوم از بُعد وضعی (پوزیتیویستی) و تجاهل نسبت به آفریدگار جهان است.

در دیدگاه او اسلامی‌سازی معرفت، ساختار این معارف را تجدید و در ضمن ابعاد هستی‌شناختی آن، چارچوب‌بندی می‌کند و با هدف آفریدگار از آفریدن آفریدگان در عرصه وجود و حرکت، ربط می‌دهد (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۲).

۹. علوم انسانی قرآنی ۱,۹. چپستی علوم انسانی

معمولاً علوم انسانی را بر اساس کارکرد تعریف می‌کنند. در این صورت، علوم انسانی آن دسته از علوم است که به رفتارهای انسان از آن جهت که انسان است و به آثار رفتار انسان می‌پردازد. بنابراین، موضوع علم انسانی، رفتار و آثار رفتار انسان از آن جهت که انسان است، خواهد بود. مانند تاریخ، اقتصاد، روان‌شناسی و حقوق که به اسم‌های گوناگون از قبیل «علوم انسانی»، «علوم اجتماعی»، «علوم تاریخی»، «علوم اخلاقی»، «علوم فرهنگی»، «علوم روحی» و «علوم توصیف افکار» خوانده شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۷؛ دبیرخانه همایش مبانی فلسفی علوم انسانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰). «متعلق این علوم با فکر و اندیشه انسان ارتباط دارد». البته هر علمی با اندیشه انسان سروکار دارد، ولی متعلق علوم انسانی «اندیشه انسان» است. در حیوان‌شناسی، هر چند شناخت به واسطه انسان است ولی متعلق این شناخت، حیوان است. در زمین‌شناسی، شناخت مربوط به فکر انسان است ولی متعلق این شناخت، زمین است. آن نوع علمی که متعلقش ارتباط با فکر انسان ندارد یعنی اعم از این که انسان باشد یا نباشد متعلقش وجود دارد، آن‌ها علوم غیرانسانی‌اند. اما علوم انسانی علمی است که علاوه بر شناخت، متعلقش ارتباط با فکر انسان دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۷).

۱۰. راهبردهای دستیابی به علوم انسانی - اسلامی ۱,۱۰. راهبرد تفسیر انسان به انسان

راهبرد پیشنهادی آیت‌الله جوادی آملی تفسیر انسان به انسان است. «از بهترین راه‌های تحقیق علوم انسانی، تفسیر انسان به انسان است، چنان‌که برجسته‌ترین شیوه تفسیر قرآن حکیم همانا تفسیر قرآن به قرآن است. این اصل (یعنی تفسیر انسان به انسان) اصول فطری را شکوفا و دقایق عقول را با شکوه و جلال انسان را در توره فطرت و جمال بشر را در الهام او ارزیابی می‌کند. چنین بشری توان تشکیل جامعه متألّه و مدینه فاضله را دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص. ۳۴۶).

۲,۱۰. فرایند تحقق تفسیر انسان به انسان

فرایند تحقق تفسیر انسان به انسان همان فرایند هفت‌گانه‌ای که پیش از این در ذیل راهبرد تغییر نگرش برای اسلامی‌سازی علوم بیان شد.

۱,۲,۱۰. مبانی تحقق راهبرد تفسیر انسان به انسان ۱,۱,۲,۱۰. قرآن بهترین منبع انسان‌شناختی

در تمامی رشته‌های علوم انسانی، «انسان» به عنوان یکی از موضوعات تحقیق، مورد مطالعه و بحث قرار می‌گیرد و آنچه که بین تمامی علوم انسانی مشترک است و ستون فقرات این علوم را تشکیل می‌دهد، انسان و ابعاد وجودی او است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۵).



۲،۱،۲،۱۰. نیاز علوم انسانی به وحی

«گریزه در حیوانات و علم در انسان تا اندازه‌ای راه را شناخته است. و همین محدودیت گریزه و علم، نیاز به وحی و نبوت را مطرح کرده است.» (صفائی حائری، ۱۳۸۶، ص. ۸۹) و بدیهی است، وقتی سخن از راه به میان می‌آید، راهی که برای پیمودن انسان است به رفتار انسان مربوط بوده در زمره علوم انسانی است.

۳،۱،۲،۱۰. وابستگی علوم انسانی به جهان‌بینی الهی

«هستی‌شناسی وابسته به جهان‌بینی الهی است، چون در جهان‌بینی الهی دانسته می‌شود که در نظام هستی، خدا موجود واجب است و سایر موجودها فیض نشئت گرفته از اویند، پس مسیر شناخت انسان، از جهان‌بینی الهی به هستی‌شناسی و از آن به انسان‌شناسی است و این شناخت، اصلی موضوعی و پیش‌فرض همه علوم انسانی است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۴ الف، ص. ۷۳؛ همان، ۱۳۸۵ ب، ص. ۳۶ و همان، ۱۳۸۴ ب، ص. ۱۵۳).

۴،۱،۲،۱۰. جاودانگی و جهان‌شمولی قرآن

در دیدگاه آیت‌الله جوادی مزیت منحصر به فرد قرآن در مقایسه با علوم بشری جاودانگی و جهان‌شمولی آن است. «جاودانگی قرآن و برخورداری از مبادی کلی قابل تطبیق بر هر عصر و نسل.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ج، ص. ۲۷۹).

۵،۱،۲،۱۰. کاستی‌های علوم انسانی بشری

زوال‌پذیری و نقض یکی از کاستی‌های اساسی علوم انسانی بشری است (همان). «اختلاف‌های زیاد در میان دانشمندان مشکلات پیشین را می‌افزاید؛ به گونه‌ای که در عرصه دانش‌های بشری به ویژه در علوم انسانی که بیش از دیگر علوم، مورد نظر ماست نظریه واحدی وجود ندارد. آن قدر این اختلاف‌ها چشمگیر و عمیق است که امروزه، اصل نسبی‌نگری از تفکرات پر طرف‌دار و شاید مسلم غرب تلقی می‌شود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۴۱).

۶،۱،۲،۱۰. محدودیت علوم بشری

«علوم بشری با محدودیت روبروست؛ چون علم بشری، تنها می‌تواند اوضاع و احوال امور این عالم را بررسی کند و در برابر بسیاری از پرسش‌ها توان پاسخگویی ندارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۴۱). برای مثال، «علوم انسانی، بدون انسان‌شناسی به نتیجه نمی‌رسد، زیرا عنصر محوری علوم انسانی «هویت انسان» است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب، صص. ۱۳۱-۱۳۲).

۷،۱،۲،۱۰. لزوم حرکت انسان بر اساس نظام احسن

قرآن کریم کسانی را که از عبادت خداوند سر باز می‌زنند، «سفیه» می‌داند: «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ

مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» عقل، حکم می‌کند که هر مخلوقی باید مطیع خالق خود باشد و هر معلولی، مطیع علتش باشد. کمال هر موجودی، در این است که بر اساس نظام تکوینی خویش حرکت کند و چون از این مسیر و هدف آن اطلاع کاملی ندارد، خداوند باید او را راهنمایی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ب، ص. ۴۸).

۳،۱۰. نظام‌سازی قرآن بنیان

۱،۳،۱۰. چیستی نظام‌سازی قرآن بنیان

نظام در لغت به نخی گفته می‌شود که به وسیله آن مروارید به نظم درمی‌آید (فراهیدی، ۱۴۱۰، ص. ۱۶۵). نظام در لغت بر وزن فعال به معنی وسیله نظم همچنین نتیجه نظم است. به چیزی که اشیاء را با یکدیگر مرتبط و مرتب می‌سازد نظام گفته می‌شود. افزون بر این، به هیتی که در اشیاء مرتبط و مرتب‌شده پدید آمده نیز نظام گفته می‌شود (صفائی حائری، ۱۳۸۱ الف، ص. ۱۳۷). در دیدگاه او مبانی و اهداف اسلامی وسیله نظم‌اند و نظام‌سازی را میسر می‌سازند. او تأکید می‌کند که اطلاق نظام بر مجموعه منتظم هماهنگ با لغت نیست (همان، ۱۳۸۱، ب، ص. ۸۶) با این وصف، او نیز در موارد بسیاری نظام را برای مجموعه منتظم به کار گرفته است (صفائی حائری، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۶؛ همان، ص. ۲۲۳، همان، ۱۳۸۳، ص. ۱۸).

هادوی تهرانی نظام را دستگاه نهادی جهان‌شمول می‌داند. «نظام سیاسی اسلام» همان دستگاه نهادهای جهان‌شمول سیاسی اسلام می‌باشد» (هادوی تهرانی، ۱۳۸۱، ص. ۳۹۳).

۲،۳،۱۰. راهبرد نگرش سیستمی

«تا کنون فقیهان و عالمان دین در برخورد با مجموعه گرانقدر دین اسلام شیوه‌ای جزء گرایانه و خردنگر را دنبال کرده‌اند. در این روش هیچگاه ارتباط عناصر جهان‌شمول با یکدیگر و رابطه آنها با عناصر موقعیتی ملحوظ نبوده است. این رویه باعث شد تا مباحث اسلامی فاقد نگرش سیستمی، کلان و نظام‌مند باشند و اجزای ساختاری اندیشه اسلامی بدون تدوین بدون کنار هم قرار گیرند» (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، صص. ۲۸-۲۹).

۳،۳،۱۰. فرایند عملیاتی سازی راهبرد نگرش سیستمی

فرایند شش گانه هادوی تهرانی برای دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار:

استخراج و کشف عناصر دینی؛

تفکیک عناصر جهان‌شمولی از موقعیتی؛

۳) دستیابی به عناصر جهان‌شمولی که در وراء عناصر موقعیتی نهفته‌اند؛

۴) طبقه‌بندی عناصر جهان‌شمول در سه گروه: فلسفه، مکتب و نظام؛

۱. در اینجا مراد هادوی تهرانی از فلسفه، فلسفه مضاف است (هادوی تهرانی، ۱۳۸۱، ص. ۳۹۲).



۵) هماهنگ‌سازی عناصر جهان‌شمول برای رسیدن به مجموعه‌ای سازگار؛
۶) طراحی سازوکار بر اساس عناصر جهان‌شمول (هادوی تهرانی، ۱۳۸۱، ص. ۳۹۵).

۱,۳,۳,۱۰. تحلیل و نقد فرایندش گانه

در فرایند پنجم تعبیر «مجموعه‌ای سازگار» به کار رفته است. این مفهوم ابهام دارد. فلسفه به معنی فلسفه مضاف، یا مکتب یا نظام بر اساس بیانات وی روشن است، ولی مجموعه‌ای سازگار تعریف نشده است. آیا مراحل پیشین و چپ‌نشین مطالب به ترتیب در قالب فلسفه، مکتب و نظام همان مجموعه سازگار نیست؟ به نظر می‌رسد، فرایند پنجم نیازمند تبیین مبادی تصویری درباره مفهوم «مجموعه سازگار» مورد نظر وی است.

۴,۱۰. مبانی

۱,۴,۱۰. احاطه بیان وحی بر مجموعه نظام‌مند جهان آفرینش

«وحی آسمانی کلام خداوندی است که به تمام جهان هستی احاطه تام دارد و جز یک واحد گسترده و فراگیر از او صادر نمی‌شود و سراسر جهان آفرینش جز یک نظام حقیقی نخواهد بود؛ لذا وقتی خداوند درباره چیزی از مجموعه جهان آفرینش سخن می‌گوید، طوری آنرا تبیین می‌کند که نشان دهنده پیوند او با بدنه جهان امکان بوده، و به خوبی ارائه می‌دهد که مجموعه نظام نیز پیوند ناگسستنی با مبدأ آفرینش دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ هـ، ص. ۱۲۳).

۲,۴,۱۰. حضور نظام علمی در متن واقعیت خارجی

نظام علمی پیرو نظام علمی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶ د، صص. ۵۲۰ و ۵۲۷) «نظام علمی قبل از آن که به صحنه معرفت و آگاهی بشر منتقل شود در متن واقعیت خارجی حضور دارد و اگر کوشش‌های پی‌گیر و مستمر یک گیاه‌شناس او را به مناسبت‌های دقیق ارگانسیم یک گیاه واقف می‌گرداند، پس آن دقت‌های علمی ابتداء در واقعیت گیاه حضور دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ هـ، ص. ۳۱۲؛ همان، ۱۳۸۷ ب، ص. ۶۳).

۳,۴,۱۰. این همانی میان نظام علمی قرآن با نظام عینی

نظام علمی قرآن کریم با نظام عینی هستی یکسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ ج، ص. ۳۹) گزاره‌های دستوری دین بر اساس نظام آفرینش و هماهنگی با آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص. ۵۷۸).

۴,۴,۱۰. کفایت مبانی و مقاصد دین برای پایه‌گذاری نظام

چنان‌که پیش از این بیان شد، برخی صاحب‌نظران مبانی و مقاصد را برای پایه‌گذاری نظام و

سیستم کافی می‌دانند (صفائی حائری، ۱۳۸۲، صص ۱۶۰ - ۱۶۱؛ همان، ۱۳۹۱، صص ۲۰۳ و ۳۰۲).

۵،۴،۱۰. نظریه استخلاف

«تبیین خلافت انسان و تشخیص هویت اصیل وی که خلیفه خدای سبحان است برای جمع‌بندی برخی از آرای متضارب در نظام سیاسی مدینه فاضله و ساختار انسانی حکومت متمدنانه سهم بسزایی دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف، ص. ۱۴۱).

۶،۴،۱۰. وجود عناصر جهان‌شمول در دین

ساخت نظام بر وجود عناصر جهان‌شمول مبتنی است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، صص ۲۸ - ۲۹) جاودانگی قرآن مستلزم دائمی بودن و زوال‌ناپذیری رسالت اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ص. ۲۷۹). قرآن کریم «با ارائه مبادی کلی و حدود وسطای قابل تطبیق بر هر عصر و نسل، نقص و نقض فرآورده‌های بشر را نشان می‌دهد (همان). «همان‌طور که ثبات قانون‌ها، ضد علم و ضد حرکت نیست، همین‌طور دینی که بر اساس آن نظام‌ها باشد ضد حرکت و ترقی نمی‌تواند باشد.» (صفائی حائری، ۱۳۸۱ ب، صص ۱۳۰ - ۱۳۱).

۷،۴،۱۰. نظریه پردازی قرآن بنیان

از جمله نکات فوق‌العاده مهم در ویژگی هر نظریه‌ای آن است که با استحکام و درستی احتمالات متعدد را دربرگیرد و جهات پراکنده مرتبط با موضوع را پوشش دهد. این اولین پایه در نظم دادن به فکر و شناخت در هر ساحت است. در غیر این صورت، نظریه ناتمام بوده و افتادگی‌هایی خواهد داشت که سبب نقد و نابودی آن خواهد شد (النعمانی، ۱۹۹۶ م، ص ۸۳). شهید صدر در میان دانشمندان تراز اول اسلامی تنها کسی است که به تفصیل به تبیین نظریه پردازی قرآن بنیان پرداخته است (الصدر، ۱۳۸۱ ب، صص ۱۷ - ۱۰۲). از این رو، به اختصار به بیان راهبرد و فرایندهای پیشنهادی وی در این باره می‌پردازیم.

۸،۴،۱۰. راهبرد نظریه پردازی قرآن بنیان

راهبرد کل‌نگری؛ اساس نظریه پردازی قرآن بنیان کل‌نگر (تفسیر موضوعی) و اجتناب از توقف در جزئی‌نگری (تفسیر ترتیبی) است (الصدر، ۱۴۲۱ ق، صص ۲۸ - ۳۳).

۱۱. فرایند

۱،۱۱. مسأله‌شناسی

مسأله‌شناسی با شناخت مشکلات واقعی زندگی بشری آغاز و با گزینش مسأله‌ای بزرگ (همان) به فرجام می‌رسد (الصدر، ۱۴۲۱ ق، صص ۲۹ - ۳۰ و ۳۵ و ۳۷).



۲,۱۱. پیشینه‌شناسی دستاوردهای بشری دربارهٔ مسأله

اولین گام در پیشینه‌شناسی، شناخت پیشینهٔ دستاوردهای بشری است. سپس خلائها و کاستی‌های بشر در حل مسأله مشخص می‌شود. (همان، ص. ۲۹).

۳,۱۱. هدف‌گذاری

نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان دو هدف اساسی دارد؛

(۱). دستیابی به نظریهٔ قرآنی دربارهٔ مسأله؛

(۲). دستیابی به رسالت قرآنی دربارهٔ آن (همان، ص. ۲۳).

شهید صدر تصریح می‌کند که می‌خواهد جانب تشریحی اسلام را به جانب نظری و تحلیلی قرآن کریم پیوند دهد (همان، ص. ۱۸۶).

۴,۱۱. طرح سؤال

شهید صدر طرح سؤال را یکی از مراحل تفسیر موضوعی یا نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان به شمار می‌آورد. (همان، صص ۳۰، ۳۴) او در نظریهٔ سنت‌های تاریخی پرسش‌هایی دربارهٔ ثبوت شیء، چیستی شیء، چگونگی، عوامل شیء، مصادیق، نقش انسان، نقش آسمان و نبوت در مسأله مطرح کرده است (همان، ص. ۴۶). او همچنین بر سؤال‌های برآمده از پیشینه‌شناسی تأکید دارد (همان، ص. ۲۹).

۵,۱۱. فرضیه‌سازی

فرضیه نخستین مرحله در سیر تحول علمی است. پس از آن، بررسی و پژوهش دربارهٔ فرضیه با روش‌های گوناگون شکل می‌گیرد. پس از به دست آمدن اطلاعات لازم دربارهٔ فرضیه، در صورتی که اطلاعات به دست آمده آن را تأیید کند، فرضیه سرشت جدیدی پیدا می‌کند که همان قانون علمی است (همان، ص. ۱۴۲۱ق. ب، ص. ۲۷۵).

۶,۱۱. استنتاج قرآن کریم

پس از پنج مرحلهٔ پیشین فرایند استنتاج قرآن کریم آغاز می‌شود (همان، صص. ۳۰، ۳۳-۳۴ و ۴۲). پس از تبیین علمی روش تفسیر نوبت به استفهام از قرآن و دریافت پاسخ از آن می‌رسد (همان، صص. ۲۹-۳۰، ۳۳-۳۴، ۴۶-۴۷).

۷,۱۱. استفهام و دریافت پاسخ از قرآن

پرسش از قرآن کریم سبب دستیابی به مدلولات تفصیلی خواهد شد (همان، ص. ۳۴). دستیابی به مدلول‌های تفصیلی قرآن کریم دربارهٔ مسأله با اجتهادی (همان، ص. ۲۴، ۲۸ و ۳۱۳) نوآورانه (همان، صص. ۲۴-۲۵) انجام می‌شود.

۸.۱۱. مطالعات تطبیقی

نظریه پرداز پس از دستیابی به مدلول‌های تفصیلی از قرآن کریم، به مطالعات تطبیقی رو می‌آورد (همان، ص. ۲۹، ۳۵، ۱۳۶ و ۱۶۴). برای این منظور لازم است به دستاوردهای بشری دربارهٔ مسأله دست یابد (همان). آنگاه دستاوردهای بشری را با نتایج قرآنی مقایسه کند (همان، صص. ۲۹، ۳۳۹).

۹.۱۱. نظریه پردازی

نظریه پردازی (همان، صص. ۲۲-۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۵، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۱۸۵، ۱۸۷ و ۳۱۵) یکی از اهداف اصلی شهید صدر در تفسیر موضوعی است. او هفت اقدام را در فرایند نظریه پردازی در نظر گرفته است.

- ۱) دستیابی به اصطلاحات خاص قرآن (همان، ص ۲۱۰)؛
- ۲) دستیابی به شامل‌ترین مفاهیم (همان، ص. ۳۳۶)؛
- ۳) ترکیب و مقارنهٔ میان مدلول‌ها (همان، صص. ۲۴ و ۳۱۶)؛
- ۴) کشف ارتباط میان مدلول‌های قرآنی (همان، ص. ۲۲، ۲۴ و ۳۴)؛
- ۵) جایابی مدلول‌ها (همان، ص. ۳۴)؛
- ۶) اتحاد مدلول‌ها (همان، ص. ۳۶)؛
- ۷) دستیابی به مرکی نظری - نظریه - (همان).

۱۲. مبانی

۱.۱۲. نیازمندی انسان به داده‌های وحیانی

شهید صدر حل تعارض در مصالح فردی و اجتماعی را تنها در گرو داده‌های وحیانی می‌داند (الصدر، ۱۳۲۴ق. الف، ص. ۳۹۴). از سوی دیگر معرفت و ظرفیت‌های فکری انسان را ناتوان از درک همهٔ اسرار در مسائل اجتماعی می‌داند. «انسان به پیامبرانی نیاز دارد که از طریق وحی مصالح حقیقی انسان را در زندگی انسان مشخص می‌کند.» (همان، ص. ۳۵۰).

۲.۱۲. پایان‌پذیری قرآن کریم (جاودانگی)

به اعتقاد شهید صدر، توانایی قرآن بر داده‌های نو دائمی است. قرآن محدود به تفسیر لفظ نیست تا گستره‌ای پایان‌پذیر داشته باشد. روایات نیز بر پایان‌پذیری قرآن دلالت دارند (الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۱۵).

۳.۱۲. علمی بودن قرآن کریم

در دیدگاه شهید صدر آن دسته از آیات که انسان را به نظر و تأمل در روی داده‌های گذشته فرامی‌خوانند و بر استفاده از آن‌ها تأکید می‌کنند، انسان را به بررسی استقراء حوادث می‌خوانند. استقراء بدون مفروض بودن سنت‌ها و علمی بودن آن‌ها ممکن نیست (الصدر، ۱۴۲۱ب، ص. ۵۴).

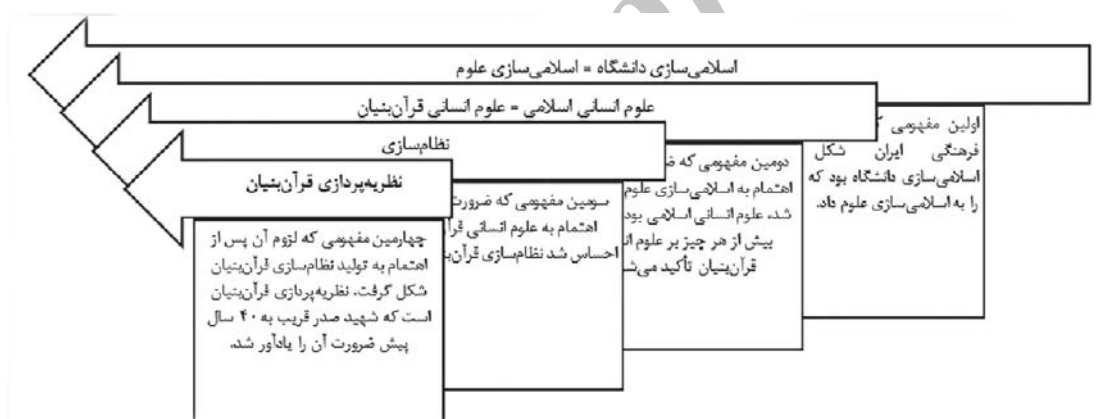
۴،۱۲. امکان راهیابی به گزاره‌های دستوری از نظریه‌های توصیفی قرآنی

دومین هدف اساسی شهید صدر از نظریه‌پردازی قرآنی دستیابی به رسالت‌های اسلامی است (الصدر ۱۴۲۱ق. ب، ص. ۲۲). چنین هدفی بر این مبنا استوار است که راهیابی به گزاره‌های دستوری از نظریه‌های توصیفی قرآنی امکان‌پذیر است.

۱۳. نتیجه‌گیری

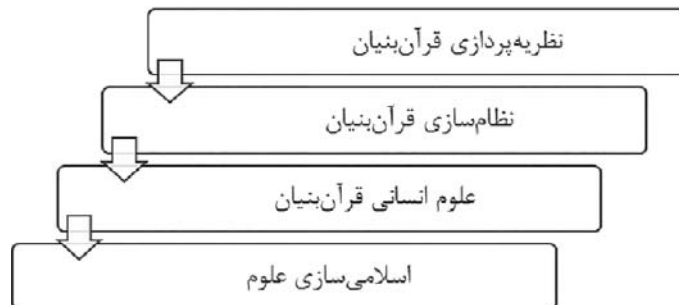
نتایج مقاله در سه نتیجه اساسی به شکل زیر سامان یافت:

۱) سیر پیدایش مفاهیم و ترتیب ذهنی آنها: سیر شکل‌گیری مفاهیم در ایران که شمار قابل توجهی از دانشمندان حوزه و دانشگاه را به خود مشغول کرده در نمودار زیر نشان داده شده است. موازی بودن نمودار بدین معنی است که هر یک از مفاهیم مستقل از دیگری یک هدف به شمار می‌آید. ترتیب آن‌ها نشان می‌دهد که به ترتیب هر مفهوم بالاتر مستلزم تحقق مفهوم پایین آن است. ترتیب ذهنی فوق نشان می‌دهد که مبانی هر یک از مفاهیم بالا مبناى مفاهیم پایین‌تر نیز خواهد بود.



نمودار ۱: سیر شکل‌گیری مفاهیم در ایران

سیر تحقق مفاهیم و ترتیب عینی آنها: نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان سبب دستیابی به انتزاعی‌ترین مفاهیم در هر عرصه علمی و ساماندهی مفاهیم سازه‌ای و مؤلفه‌های دیگر ذیل آن می‌شود. در این صورت، دستیابی به هندسه مفاهیم میسر می‌شود. نظریه عناصر جهان‌شمول و موقعیتی را به گونه‌ای جانمایی می‌کند که نتیجه آن نظام علمی در آن عرصه شکل می‌دهد. با دستیابی به نظام قرآن‌بنیان و تراکم گزاره‌های علمی درباره آن علوم مربوط شکل می‌گیرد. از آنجا که دستیابی به علوم انسانی اولویت دارد تولید این علم از طریق نظام‌سازی و دستیابی به نظریات قرآن‌بنیان بیش از هر چیز دیگری وجهه همت است. با تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان اسلامی سازی علم از طریق تولید علم بر اساس منابع اصلی دین رقم می‌خورد.



نمودار ۲: مراحل تحقق نظریه‌پردازی قرآن بنیان تا اسلامی‌سازی علوم

۳) پیشتازی شهید صدر در همه مفاهیم یادشده: بررسی فوق به ویژه فرایندی که شهید برای نظریه‌پردازی قرآن بنیان سامان داده است، نشان می‌دهد که شهید صدر در درک مفاهیم یادشده پیشتاز بوده است. ما پس از تطور چهار مرحله‌ای به نظریه‌پردازی برای نظام‌سازی قرآن بنیان رسیده‌ایم، حال آن که وی پیش از هر کس به ضرورت اسلامی‌سازی علوم رسیده بود. آثاری مانند فلسفتنا، اقتصادنا، نظریه استخلاف، و نظریه سنت‌های تاریخی شاهد بر این مدعاست. او همچنین به مرحله پنجمی نیز رسیده بود که ما کمتر بدان پرداخته‌ایم. بدین معنی که او به ضرورت ساخت و سامان‌دهی روشی مناسب برای نظریه‌پردازی نیز رسیده بود که برای آن تفسیر موضوعی را به مثابه روش اجتهادی مسأله‌محور منتج به نظریه تبیین کرد. این حقیقت نشان می‌دهد که ما در قریب به چهل سال گذشته هنوز در دوران پیشاصدري به سر برده‌ایم. لازمه ورود به دوران پساصدري آن است که کار را از جایی شروع کنیم که او به پایان رساند. (آکوچکیان، ۱۳۹۵).

۱۴. پیشنهادها

تعریف دقیق مفاهیم؛
بازخوانی اندیشه‌های شهید صدر و دیگرانی که در این مسیر گام نهاده‌اند؛
ترمیم و تکمیل اندیشه‌های صدر و دیگران؛
ساخت و سامان‌دهی روش‌های معتبر و پیشرفته برای نظریه‌پردازی قرآن بنیان؛
ساخت الگوهای عملیاتی نظریه‌پردازی؛
حمایت از اجرای الگوهای نظریه‌پردازی قرآن بنیان؛
حمایت از پیاده‌سازی نظریه‌ها در نمونه‌ها.

۱. تعبیر «پیشاصدري» و «پساصدري» نخستین بار به وسیله حجت‌الاسلام دکتر احمد آکوچکیان در خلال «روش‌شناسی حل مسأله در منظومه روش‌شناسی تفسیر پیشرفت‌نگر» از سلسله نشست‌های اولین کنفرانس قرآن‌پژوهی پیشرفت و روش‌شناسی تفسیر در مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) به کار برده شد. این نشست با حضور ایشان و نویسنده در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ برگزار شد.

منابع

- الرضی، محمدحسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. محقق صالح صبحی، قم: هجرت.
- الصدر، سید محمدباقر (۱۳۲۴ق. الف). اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۳). قم: مركز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، انتشارات دارالصدر.
- الصدر، سید محمدباقر (۱۳۲۴ق ب). فلسفتنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۱). قم: مركز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- الصدر، سید محمدباقر (۱۴۲۱ق ب). موسوعة الشهيد الصدر. المدرسة القرآنية يحتوي على التفسير الموضوعي للقرآن الكريم و بحوث في علوم القرآن و مقالات قرآنية، قم: مركز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- الصدر، سید محمدباقر (۱۴۲۱ق. الف). المدرسة الإسلامية (موسوعة الشهيد الصدر جلد ۵). قم: مركز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴الف). تفسیر انسان به انسان. محقق محمدحسین الهی زاده، قم: مركز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ب). حیات حقیقی انسان در قرآن. محقق غلام علی امین دین، قم: مركز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵الف). تسنیم. تحقیق و تنظیم: علی اسلامی، جلد ۹، قم: مركز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ب). حق و تکلیف در اسلام. محقق مصطفی خلیلی، قم: مركز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ج). سرچشمه اندیشه. محقق عباس رحیمیان، جلد ۲، قم: مركز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶الف). اسلام و محیط زیست. تحقیق و تنظیم عباس رحیمیان، قم: مركز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ب). منزلت عقل در هندسه معرفت دین. تحقیق و تنظیم احمد واعظی، قم: مركز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ج). سرچشمه اندیشه. محقق محمدحسین الهی زاده، جلد ۱، قم: مركز

نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶د). سرچشمه اندیشه. محقق: عباس رحیمیان، جلد ۳، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ه). ریحیق مختوم. محقق حمید پارسانیا، جلد ۱ و ۲، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ه)، سرچشمه اندیشه. محقق عباس رحیمیان محقق، جلد ۴، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷الف). جامعه در قرآن. محقق مصطفی خلیلی، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ب). فلسفه صدررا. محقق محمد کاظم بادپا، جلد ۲، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸الف). تسنیم. محقق حسن واعظی محمدی، جلد ۷، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ب). نسیم اندیشه دفتر اول. محقق: سید محمود صادقی، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹الف). تسنیم. تحقیق و تنظیم احمد قدسی، جلد ۳، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ب). ولایت فقیه. محقق محمد محرابی، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (بی تا). سروش هدایت. جلد ۴، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). نسبت دین و دنیا. محقق علیرضا روغنی موفق، قم: مرکز نشر اسراء.
رضوی، عبدالحسین (۱۳۹۱). طرح جامع علم دینی از منظر آیت الله علامه جوادی آملی. فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ویژه‌نامه نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، ۱(۹۱)، ۳۱-۳۷.

صفائی حائری، علی (۱۳۸۱الف). استاد و درس صرف و نحو. قم: لیلة القدر.
صفائی حائری، علی (۱۳۸۱ب). روش نقد. جلد ۴، قم: لیلة القدر.
صفائی حائری، علی (۱۳۸۲). از معرفت دینی تا حکومت دینی. قم: لیلة القدر.
صفائی حائری، علی (۱۳۸۳). بررسی. قم: لیلة القدر.

صفائی حائری، علی (۱۳۸۶). نامه‌های بلوغ. قم: لیلة القدر.
صفائی حائری، علی (۱۳۹۱). تطهیر با جاری قرآن. جلد ۳، قم: لیلة القدر.
عاملی، حر (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. جلد ۲۹، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث.

فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. جلد ۸، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

گلشنی، مهدی (۱۳۷۷). از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات.
مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). آموزش فلسفه. جلد ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). پیش نیازهای مدیریت اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸). رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی. مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه و بومی و اسلامی کردن علوم انسانی. ۱۳-۸۷.



مطهری، مرتضی (۱۳۵۶). ده گفتار. تهران: انتشارات حکمت.
نجاتی، محمد عثمان (۱۳۹۱). قرآن و روان‌شناسی. ترجمه عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
النعمانی، محمدرضا (۱۹۹۶م). الشهيد الصدر سنوات المحنة و أيام الحصار. قم: إسماعیلیان.
هادوی تهرانی، محمدمهدی (۱۳۷۸). مکتب و نظام اقتصادی اسلام. قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
هادوی تهرانی، محمدمهدی (۱۳۸۱). مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم. قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.

Archive of SID